

به نام خدا

چالش های مهریه و سازوکارهای حل آن در نظام حقوقی ایران

مؤلف :

فریده عبدالمهی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه: عبدالحی، فریده، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور: چالش های مهریه و سازوکارهای حل آن در نظام حقوقی ایران / مولف:
فریده عبدالحی
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۱۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۶۵۶-۴۱-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: چالش های مهریه و سازوکارهای حل آن - نظام حقوقی ایران
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

نام کتاب: چالش های مهریه و سازوکارهای حل آن در نظام حقوقی ایران
مولف: فریده عبدالحی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۷۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۶۵۶-۴۱-۷
تلفن مرکز یخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran-journals.com



فهرست

مقدمه	۵
فصل اول: مبانی فقهی و حقوقی مهریه در ایران	۹
تعریف، ماهیت و فلسفه مهریه در فقه امامیه:	۱۲
تحلیل حقوقی مهریه در چارچوب قانون مدنی:	۱۵
ارکان و شرایط صحت مهر در نکاح دائم و موقت:	۱۷
انواع مهریه: مهرالمسمی، مهرالمثل، مهرالمتع و احکام آن:	۱۹
نقش اراده، عرف و عدالت در تعیین میزان مهریه:	۲۲
تحول نگرش قانون‌گذار نسبت به مهریه در قوانین پس از انقلاب:	۲۵
فصل دوم: چالش‌ها و آسیب‌شناسی نظام مهریه در ایران	۲۷
افزایش مهریه‌های سنگین و پیامدهای اجتماعی-اقتصادی:	۲۹
سوءاستفاده از مهریه به عنوان ابزار تهدید در تعارضات زناشویی:	۳۱
تورم، بی‌ثباتی اقتصادی و ناتوانی در پرداخت مهریه:	۳۳
بازداشت مردان به دلیل مهریه و نقد سیاست کیفری موجود:	۳۵
تأثیر پدیده «ازدواج سفید» و کاهش ازدواج بر ساختار مهریه:	۳۸
فصل سوم: فرآیندهای حقوقی مطالبه مهریه و چالش‌های اجرایی	۴۱
ثبت مطالبه مهریه در دفترخانه و روند اجرایی رسمی:	۴۳
اجرای مهریه از طریق دادگاه خانواده و محدودیت‌های قانونی:	۴۵
توقیف اموال و مشکلات عملی در شناسایی دارایی‌ها:	۴۸
قواعد اعسار، تقسیط و نحوه اثبات ناتوانی مالی زوج:	۴۹
تأثیر اسناد رسمی، چک و سفته در تضمین مهریه:	۵۱
نقاط ضعف سامانه‌های ثبتی و الکترونیک در پرونده‌های مهریه:	۵۳
فصل چهارم: تحلیل کیفری مهریه و رویکردهای تقنینی نوین	۵۷

جایگاه بازداشت بدهکار مهریه در قوانین کیفری ایران:	۵۹
نقد ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در پرونده‌های خانواده:	۶۲
مسئولیت کیفری ناشی از اختلافات، جعل، انتقال مال و فرار از دین:	۶۵
سیاست جنایی اسلام و قانون‌گذار ایران در قبال مهریه‌های سنگین:	۶۸
راهکارهای کاهش زندانیان مهریه در اسناد بالادستی:	۷۰
بررسی طرح‌ها و لوایح جدید درباره مهریه و آثار آن بر نظام خانواده:	۷۱
فصل پنجم: رویکردهای نوین حل اختلاف در دعاوی مهریه	۷۵
میانجی‌گری تخصصی خانواده به‌عنوان جایگزین دعاوی قضایی:	۷۷
داوری در مهریه و ظرفیت‌های قانون حمایت خانواده:	۷۸
نقش مشاوران خانواده، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی:	۸۰
سازوکارهای توافق مالی، صلح‌نامه و سازش در دفاتر رسمی:	۸۱
رویکردهای ترمیمی برای کاهش تنش‌های زناشویی:	۸۳
تأثیر مشاوره قبل از ازدواج بر کاهش اختلافات مهریه:	۸۶
فصل ششم: راهکارهای اصلاح نظام مهریه در ایران	۸۹
بازطراحی الگوی مهریه با رویکرد عدالت جنسیتی و مصالح خانواده:	۹۳
تعیین سقف‌های حقوقی، عرفی و حمایتی برای مهریه:	۹۶
تقویت فرهنگ‌سازی و آموزش حقوق خانواده در مدارس و دانشگاه‌ها:	۹۷
اصلاح قانون اجرای محکومیت‌های مالی و جایگزین‌های حبس:	۹۹
حمایت اقتصادی از زوجین و نقش دولت در پایداری خانواده:	۱۰۲
ارائه مدل پیشنهادی برای مهریه پایدار، عقلانی و قابل اجرا:	۱۰۴
نتیجه‌گیری :	۱۰۸
منابع	۱۱۳

مقدمه

مهریه به عنوان یکی از قدیمی ترین نهادهای حقوق خانواده در ایران، همواره نقش محوری در شکل گیری رابطه زناشویی، توازن حقوقی میان زن و مرد و تضمین امنیت اقتصادی زن داشته است. با وجود این کارکردهای بنیادین، تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چند دهه اخیر موجب شده که مهریه از یک نهاد حمایتی به یکی از چالش برانگیزترین موضوعات حقوقی و قضایی کشور تبدیل شود. تغییر الگوهای ازدواج، افزایش فشارهای اقتصادی، تحول سبک زندگی، کاهش تاب آوری خانوادگی و گسترش اختلافات زناشویی باعث شده است که تعداد پرونده های مرتبط با مهریه در دادگاه های خانواده رشد چشمگیری پیدا کند و بخش قابل توجهی از بار کاری دستگاه قضایی را به خود اختصاص دهد. در چنین شرایطی، مهریه نه تنها یک مسئله خصوصی میان زوجین، بلکه به یک معضل اجتماعی و حقوقی با پیامدهای گسترده تبدیل شده است. از یک سو زنان مهریه را ابزار مهمی برای تضمین امنیت اقتصادی و جبران نابرابری های ساختاری می دانند و از سوی دیگر مردان در مواجهه با مهریه های سنگین و غیرمتناسب با وضعیت اقتصادی خود، احساس فشار، نگرانی و ناتوانی می کنند. همین تعارض بنیادین میان ضرورت تأمین امنیت مالی زن و محدودیت های اقتصادی مرد، ریشه اصلی بسیاری از اختلافات و دعاوی مهریه است.

در دهه های اخیر، افزایش غیرمنطقی مهریه و فاصله روزافزون میان میزان مهریه های ثبت شده با توان واقعی پرداخت، مجموعه ای از مشکلات پیچیده را ایجاد کرده است. بسیاری از زوجین هنگام عقد، تحت تأثیر احساسات، فشارهای فرهنگی یا رقابت های اجتماعی، مبلغی را به عنوان مهریه تعیین می کنند که هیچ تناسبی با واقعیت اقتصادی جامعه ندارد. این تعیین غیرعقلانی مهریه، در زمان بروز اختلاف و به خصوص هنگام طلاق، به چالشی جدی برای هر دو طرف تبدیل می شود و نه تنها باعث افزایش تنش میان زوجین می شود، بلکه دستگاه قضایی را نیز با حجم بالایی از پرونده های مطالبه مهریه، اعسار، تقسیط و توقیف اموال روبه رو می کند. از سوی دیگر، افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید نیز ارزش واقعی مهریه را دستخوش تغییر کرده و باعث شده است که زوجین در زمان عقد برای حفظ ارزش اقتصادی مهریه در آینده، به تعیین مبالغ بسیار بالا روی بیاورند. این روند خود، چرخه ای معیوب ایجاد کرده است؛ چرخه ای که در آن مهریه به جای نقش حمایتی و معنوی، به مسئله ای اقتصادی و گاه به بحران تبدیل می شود.

در کنار مشکلات اقتصادی، عوامل فرهنگی نیز در تشدید چالش های مهریه نقش مهمی ایفا می کنند. در برخی خانواده ها مهریه به نماد ارزش گذاری بر دختر تبدیل شده و گاهی از آن برای سنجش موقعیت اجتماعی یا فرهنگی خانواده استفاده می شود. نگاه رقابتی برخی خانواده ها در تعیین مهریه، موجب شده است که این نهاد حقوقی از کارکرد اصلی خود فاصله بگیرد و به ابزاری برای نمایش یا مقایسه تبدیل شود. این نگرش نادرست، نه تنها موجب افزایش بار روانی بر زوجین می شود، بلکه

زمینه‌ساز اختلافات زودهنگام در زندگی مشترک نیز هست. در چنین شرایطی، بسیاری از جوانان با ترس از تعهدات سنگین مالی وارد زندگی مشترک می‌شوند یا حتی از ازدواج منصرف می‌گردند، امری که خود پیامدهای اجتماعی گسترده‌تری به همراه دارد.

از سوی دیگر، نظام حقوقی و قضایی ایران نیز در مواجهه با مهریه با چالش‌های جدی روبه‌روست. قوانین مربوط به مهریه که ریشه در فقه امامیه دارد، در زمان خود کارآمد بوده اما با توجه به شرایط اقتصادی امروز و تغییر نقش‌های جنسیتی، نیازمند بازنگری و تفسیرهای جدید است. برای مثال، امکان بازداشت مرد به دلیل عدم پرداخت مهریه، سال‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای الزام به پرداخت استفاده می‌شد اما این سیاست کیفری با انتقادات فراوان مواجه شده است؛ زیرا نه تنها مشکلات خانوادگی را حل نمی‌کند، بلکه پیامدهای اجتماعی و انسانی گسترده‌ای نیز ایجاد می‌کند. از طرفی، قوانین اعسار و سازوکارهای تقسیط مهریه، اگرچه برای حمایت از مردان ناتوان از پرداخت پیش‌بینی شده‌اند، اما در عمل با مشکلاتی مانند دشواری اثبات اعسار، اطاله دادرسی و نبود سازوکارهای دقیق برای ارزیابی واقعی وضعیت اقتصادی افراد مواجه هستند. این وضعیت باعث شده است که نه زنان به حق قانونی خود به‌صورت کامل دست یابند و نه مردان امکان پرداخت منطقی و عادلانه را داشته باشند.

نظام اجرای احکام نیز با مشکلات متعددی روبه‌روست. توقیف اموال، شناسایی دارایی‌ها و ارزیابی ارزش آن‌ها در بسیاری از پرونده‌ها با پیچیدگی‌های فراوان همراه است. برخی افراد برای فرار از پرداخت مهریه اقدام به انتقال صوری اموال می‌کنند و این مسئله باعث طولانی شدن روند رسیدگی و ایجاد احساس بی‌عدالتی در طرف مقابل می‌شود. علاوه بر این، ناهماهنگی میان دفاتر ثبت اسناد، دادگاه‌های خانواده، ادارات ثبت و بانک‌ها نیز گاهی موجب تاخیر در روند اجرای مهریه می‌شود. همه این عوامل سبب شده که پرونده‌های مهریه به یکی از زمان‌برترین و پرچالش‌ترین پرونده‌ها در دستگاه قضایی تبدیل شوند.

در کنار مسائل حقوقی، باید به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی اختلافات مهریه نیز توجه کرد. مطالبه مهریه معمولاً زمانی مطرح می‌شود که رابطه زناشویی دچار بحران شده است، بنابراین بار هیجانی و روانی این دعاوی بسیار سنگین است. زن ممکن است مهریه را ابزار دفاع از خود یا جبران خسارت عاطفی و روانی بداند و مرد نیز ممکن است آن را تهدیدی علیه آینده مالی خود تلقی کند. این تقابل روانی، اختلافات را پیچیده‌تر می‌کند و مانع رسیدن طرفین به توافق منطقی می‌شود. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان معتقدند که حل اختلافات مهریه صرفاً با ابزارهای حقوقی ممکن نیست و نیازمند به‌کارگیری روش‌های میانجی‌گری، داوری خانوادگی و حمایت روان‌شناختی است. امروزه بسیاری از کشورها برای کاهش تعارضات خانوادگی از نظام‌های حل اختلاف جایگزین استفاده می‌کنند و تلاش دارند تا میانجی‌گری را جایگزین دعاوی قضایی طولانی کنند. این رویکرد در ایران نیز می‌تواند به کاهش فشار بر دادگاه‌ها و کاهش تنش میان زوجین کمک کند. با این حال، ساختار فعلی مشاوره‌های خانواده در ایران هنوز به اندازه کافی کارآمد نیست و نیازمند آموزش تخصصی و

تدوین استانداردهای روشن است. همچنین لازم است سازوکارهای حمایت اقتصادی از خانواده، بیمه‌های ویژه حمایت از زنان و سیاست‌های تشویقی برای ازدواج نیز تقویت شود تا نقش مهریه در تأمین امنیت زن کمتر به شکل بار مالی بر مرد تحمیل گردد.

ضرورت اصلاح قوانین، بازنگری در سیاست‌های کیفری، ایجاد سازوکارهای حمایتی، فرهنگ‌سازی عمومی، آموزش حقوق خانواده در مدارس و دانشگاه‌ها و طراحی مدل‌های عقلانی‌تر برای تعیین مهریه از جمله اقداماتی است که می‌تواند به حل این چالش کمک کند. هدف از این کتاب ارائه تحلیلی جامع و تخصصی از چالش‌های موجود، نقد رویکردهای فعلی و ارائه راهکارهای حقوقی، اجتماعی و فرهنگی است که بتواند به بازطراحی نظام مهریه در ایران کمک کند. در این مسیر، بهره‌گیری از مبانی فقهی، دستاوردهای علمی حقوق خانواده، تجربیات کشورهای دیگر، یافته‌های روان‌شناسی خانواده و مطالعات جامعه‌شناختی ضروری است. نگارش این اثر با این هدف انجام می‌شود که تصویری روشن و چندبعدی از وضعیت مهریه در ایران ارائه دهد و راه‌هایی نوین، عادلانه و قابل اجرا برای کاهش اختلافات، حمایت از خانواده و افزایش واقع‌گرایی در تعیین و اجرای مهریه پیشنهاد کند؛ راه‌هایی که بتوانند میان عدالت، امنیت، کارآمدی و آرامش خانواده توازن برقرار کنند.

فصل اول

مبانی فقهی و حقوقی مهریه در ایران

مهریه در نظام حقوقی ایران ریشه‌ای عمیق در سنت فقهی و آموزه‌های اسلامی دارد و به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نکاح در فقه امامیه شناخته می‌شود. در اندیشه فقهی، مهریه نه یک قیمت‌گذاری بر زن و نه نوعی دادوستد مالی میان خانواده‌ها، بلکه هدیه‌ای است که زوج در مقام احترام، حمایت و تعهد به همسر خود تقدیم می‌کند. این مفهوم که در قرآن کریم با تعبیر «نَحْلَةُ» ذکر شده، نشان‌دهنده عطای ارادی و بزرگواری مرد است و نه معاوضه‌ای در برابر تمکین یا رابطه زوجیت. با وجود این معنای معنوی و اخلاقی، مهریه در عمل به نهادی حقوقی با آثار مالی روشن تبدیل شده و در قوانین مدنی ایران نیز به عنوان یک حق مالی قطعی برای زن تثبیت گردیده است. از همین رو، تفسیر فقهی و حقوقی مهریه همواره در تعادل میان معنویت و واقعیت اقتصادی قرار داشته و تلاش شده است که در عین حفظ مبانی دینی، نیازهای حقوقی جامعه نیز تأمین شود.

فقه امامیه مهریه را مالی می‌داند که مالکیت آن با وقوع عقد نکاح به زن منتقل می‌شود و زن می‌تواند هر زمان که بخواهد آن را مطالبه کند. این مالکیت مطلق، یکی از تفاوت‌های بنیادین حقوق اسلامی با برخی نظام‌های دیگر است که مهریه را تنها در صورت طلاق یا وفات قابل دریافت می‌دانند. در فقه شیعه، اصل بر این است که زن حق دارد حتی پیش از شروع زندگی مشترک نیز مهریه را طلب کند، مگر در مواردی که بین طرفین توافقی برخلاف آن وجود داشته باشد. این دیدگاه نشان می‌دهد که مهریه تنها برای شرایط طلاق یا اختلاف پیش‌بینی نشده، بلکه به عنوان پشتوانه‌ای اقتصادی و شخصی برای زن در تمام دوران زندگی مشترک تلقی می‌شود. از منظر فقهی، تعیین مهریه می‌تواند به توافق طرفین واگذار شود و هیچ سقف یا محدودیتی برای میزان آن تعیین نشده است؛ زیرا مبنای اصلی، قرارداد آزادانه و اراده طرفین است و آنچه که عقل و عرف، مالیت آن را بپذیرند می‌تواند مهر قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی در زمینه مهریه، انواع آن است که شامل مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتعه می‌شود. مهرالمسمی مهریه‌ای است که هنگام عقد توسط زوجین معین می‌شود و مورد توافق قرار می‌گیرد. مهرالمثل زمانی مطرح می‌شود که در عقد مهری تعیین نشده باشد یا مهریه باطل باشد و در این حالت، میزان مهریه بر اساس شأن و وضعیت زن تعیین می‌شود. مهرالمتعه نیز در حالتی است که مرد پیش از تعیین مهر و پیش از رابطه زناشویی همسر خود را طلاق می‌دهد و

در این صورت باید هدیه‌ای به او بپردازد. این تقسیم‌بندی نشان‌دهنده تلاش فقه برای ایجاد عدالت در شرایط مختلف است، به گونه‌ای که هیچ زنی در هیچ حالت بدون حقوق مالی نماند. با ورود مهریه به نظام حقوقی مدنی، مفاهیم فقهی رنگ جدیدی به خود گرفته و در قالب مقررات دقیق‌تری تنظیم شده است. قانون مدنی ایران با تبعیت تقریباً کامل از فقه امامیه، مهریه را در قالب یک دین تعریف کرده و مالکیت زن بر آن را قطعی می‌داند. از منظر حقوقی، مهریه دین ممتاز محسوب می‌شود؛ یعنی در صورت ورشکستگی یا فوت زوج، زن در ردیف اول طلبکاران قرار می‌گیرد. این امتیاز حقوقی اهمیت مهریه را در حمایت از حقوق مالی زن دوچندان می‌کند. همچنین در قانون مدنی بر قابلیت نقل و انتقال مهریه و امکان بخشش، صلح یا تبدیل آن تأکید شده است؛ امری که نشان می‌دهد مهریه کاملاً در زمره اموال قابل تصرف زن قرار دارد و هیچ محدودیت شرعی یا قانونی برای اعمال مالکیت او بر آن وجود ندارد.

در مبانی حقوقی مهریه، بحث معین بودن مهر و قابلیت تملک آن اهمیت زیادی دارد. قانون مدنی مقرر می‌کند که مهریه باید مالیت داشته، قابل نقل و انتقال بوده و منفعت عقلایی داشته باشد. بنابراین نمی‌توان امری نامعقول یا نامشروع را مهر قرار داد. همچنین اگر مهریه مجهول باشد، عقد صحیح است اما تعیین مهریه باید بعداً صورت گیرد و در غیر این صورت مهرالمثل مطرح می‌شود. این انعطاف در مقررات، از یک سو آزادی اراده زوجین را حفظ می‌کند و از سوی دیگر از بروز تعارضات ناشی از تعیین نادرست یا مبهم مهریه جلوگیری می‌کند. در مواردی که مهریه مالی در آینده یا مال کلی تعیین شده باشد، فقه و حقوق ایران آن را می‌پذیرند، به شرط آن که امکان تحقق آن وجود داشته باشد.

یکی دیگر از مباحث مهم، نقش عرف در تعیین مهریه است. در فقه شیعه، عرف در بسیاری از مسائل مربوط به خانواده نقش اساسی دارد و می‌تواند معیار تعیین مهریه باشد، مخصوصاً در مواردی که مهرالمثل مطرح می‌شود. در این موارد، شأن خانوادگی، تحصیلات، موقعیت اجتماعی و ویژگی‌های زن معیار تعیین مهریه قرار می‌گیرد. نقش عرف در مقررات مدنی نیز به رسمیت شناخته شده و در بسیاری از دعاوی خانوادگی، دادگاه‌ها برای تعیین یا تعدیل مهریه از معیارهای عرفی استفاده می‌کنند. عرف، در کنار اراده طرفین و قواعد فقهی، یکی از سه ستون اصلی در ساختار حقوقی مهریه در ایران به شمار می‌رود.

یکی از محورهای چالش‌برانگیز در مبانی حقوقی مهریه، موضوع عندالمطالبه و عندالاستطاعه بودن آن است. فقه امامیه به طور مطلق قائل به عندالمطالبه بودن مهریه است؛ یعنی زن هر زمان که بخواهد می‌تواند آن را مطالبه کند. اما در سال‌های اخیر، به دلیل مشکلات اقتصادی، برخی خانواده‌ها هنگام عقد شرط عندالاستطاعه بودن مهریه را می‌پذیرند. این شرط به معنای مشروط شدن پرداخت مهریه به توان مالی مرد است. البته بسیاری از فقها این شرط را مخالف مقتضای عقد می‌دانند و

معتقدند که اصل مالکیت زن نباید معلق به استطاعت مرد شود، اما بخش دیگری از فقها و برخی رویه‌های قضایی آن را پذیرفته‌اند. همین اختلاف، موجب بروز چالش‌های حقوقی و تفاوت در آراء محاکم شده است.

از سوی دیگر، فقه امامیه در خصوص ضمانت اجرای مهریه نیز دیدگاه دقیقی ارائه کرده است. اصل بر این است که زن می‌تواند در صورت عدم پرداخت مهریه، از حق حبس استفاده کند؛ یعنی تا زمانی که مهریه تسلیم نشده، از ایفای وظایف زناشویی خودداری کند. این حکم که ریشه در قاعده عقلایی «تقدم حق مالی زن» دارد، نقش مهمی در توازن حقوقی میان زوجین ایفا می‌کند؛ زیرا اگر مرد از پرداخت مهریه امتناع کند، زن می‌تواند از وارد شدن به زندگی مشترک بدون پشتوانه مالی خودداری نماید. قانون مدنی ایران نیز این حق را تأیید کرده است. البته استفاده از حق حبس تنها در صورتی ممکن است که زن هنوز تمکین نکرده باشد؛ پس از شروع زندگی مشترک، این حق ساقط می‌شود. این موضوع در بسیاری از دعاوی خانوادگی اهمیت دارد و نقطه تلاقی فقه و حقوق است.

در نظام حقوقی ایران، مهریه نه تنها امری مالی بلکه نهادی اخلاقی و اجتماعی است. از منظر فقهی، تأکید شده است که مهریه باید معتدل باشد و موجب سختی بر زوج نشود؛ همان‌گونه که زندگی مشترک نیز بر مبانی مودت، رحمت و عدالت بنا شده است. اما قانون‌گذار به دلیل اصل آزادی قراردادهای محدودیتی برای میزان مهریه تعیین نکرده است. این عدم محدودیت، در سال‌های اخیر به افزایش غیرمنطقی مهریه‌ها منجر شده و چالش‌هایی جدی ایجاد کرده است. فقه به این نکته توجه دارد که تعیین مهریه بیش از حد، خلاف روح نکاح اسلامی است؛ زیرا سبک‌سازی ازدواج از مقاصد شریعت است. بسیاری از فقیهان توصیه کرده‌اند که مهریه باید متناسب، معقول و همراه با حسن نیت باشد، نه ابزاری برای مباحثات یا فشار.

در مبانی حقوقی مهریه، مسئله ضمانت اجرا نقش مهمی دارد. مهریه دین است و مانند هر دین دیگری، از طریق طرق قانونی قابل وصول است. زن می‌تواند از طریق اجرای ثبت یا دادگاه خانواده اقدام به وصول مهریه کند. فقه امامیه نیز مهریه را دینی قطعی می‌داند که زوج مکلف به پرداخت آن است. اما تفاوت عمده میان فقه و حقوق در مسئله امکان بازداشت بدهکار است. در فقه، اصل بر این است که اگر فرد معسر باشد و توان پرداخت نداشته باشد، حبس او وجهی ندارد. اما در رویه‌های قانونی ایران، سال‌ها بازداشت بدهکار مهریه به عنوان ضمانت اجرا اعمال می‌شد، تا آنکه نقدهای گسترده باعث اصلاحاتی شد. اکنون قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تلاش می‌کند میان حمایت از زن و جلوگیری از زندانی شدن گسترده مردان تعادل ایجاد کند، اما همچنان اختلافات بنیادین میان دیدگاه فقهی و مقتضیات اقتصادی جامعه باقی است.

از دیگر مباحث مبنايي، مسأله مالکیت زن بر مهریه است. فقه معتقد است که با انعقاد عقد، زن مالک تمام مهریه می‌شود؛ حتی اگر هنوز زندگی مشترک آغاز نشده باشد. این مالکیت کامل و بلافاصله،

زنان را در برابر آسیب های مالی احتمالی محافظت می کند و نوعی امنیت اقتصادی ایجاد می نماید. قانون مدنی نیز این قاعده را به طور کامل پذیرفته و تصریح کرده است که زن هرگونه تصرفی در مهریه دارد. این مبنا باعث شده است که مهریه نقشی پررنگ در استقلال مالی زنان داشته باشد، اما در برخی موارد نیز موجب اختلافات شدید و شکل گیری دعاوی گسترده شده است. در مجموع، مبانی فقهی و حقوقی مهریه در ایران مجموعه ای پیچیده و چندلایه است که میان اصول دینی، قواعد حقوقی و شرایط اجتماعی تلاش می کند تعادل برقرار کند. فقه امامیه با تأکید بر آزادی اراده، عدالت، مالکیت زن و هدیه بودن مهریه، چارچوبی انعطاف پذیر ایجاد کرده و قانون مدنی نیز با بهره گیری از این اصول، مقررات دقیق تری ارائه داده است. با این حال، فاصله میان قواعد نظری و واقعیت های اقتصادی و اجتماعی امروز، چالش هایی را ایجاد کرده که نیازمند بازنگری، تبیین و اصلاح است. فهم صحیح مبانی فقهی و حقوقی مهریه شرط لازم برای طراحی سازوکارهای جدید، کاهش تنش های خانوادگی و ارائه راهکارهای عادلانه برای حل اختلافات است. نوشتار حاضر با هدف ارائه این فهم عمیق و زمینه سازی برای اصلاحات حقوقی و فرهنگی در حوزه مهریه تدوین می شود تا بتواند به تحقق خانواده ای پایدار، عادلانه و مبتنی بر اصول اخلاقی کمک کند.

تعریف، ماهیت و فلسفه مهریه در فقه امامیه:

مهریه در فقه امامیه نهادی است که ریشه های آن در قرآن، سنت و سیره معصومان قرار دارد و از نخستین مؤلفه هایی است که رابطه زوجیت را از یک پیوند صرفاً عاطفی به پیوندی دارای چارچوب حقوقی تبدیل می کند. فقیهان امامیه مهریه را مالی می دانند که مرد در برابر عقد نکاح و ایجاد رابطه زوجیت، با قصد تملیک و در قالب یک تعهد شرعی، به زن تقدیم می کند و مالکیت آن با تحقق عقد فوراً به زن منتقل می شود. در تعریفی دقیق تر، مهر عطیه ای است که قانون شریعت در کنار نکاح قرار داده تا زن در رابطه خانوادگی، پشتوانه مالی و شخصی مستحکمی داشته باشد. این نگاه به خوبی نشان می دهد که مهریه نه قیمت زن است و نه بهایی در برابر تمکین یا روابط زناشویی، بلکه هدیه ای است که شریعت برای پاسداشت کرامت زن و تثبیت جایگاه او در خانواده مقرر کرده است. فقیهان شیعه از تعبیر قرآنی «نَحْلَه» استفاده می کنند که به معنای عطیه خالصانه و بخشش بدون چشم داشت است و نشان می دهد که فلسفه مهر کاملاً اخلاقی و حمایتی است و نه مبتنی بر معامله یا معاوضه.

در بررسی ماهیت مهر، فقه امامیه آن را مالی واجب الاداء می داند که به محض وقوع عقد صحیح، زن مالک آن می شود و مرد مکلف به پرداخت آن است، خواه رابطه زناشویی برقرار شده باشد یا نه. این مالکیت، مالکیتی مطلق، قطعی و بدون قید است و زن در آن هیچ نیازی به اجازه یا رضایت شوهر ندارد. بنابراین، مهر در حقیقت نوعی دین ثابت است که بر ذمه مرد قرار می گیرد و جز با پرداخت، ابراء یا انتقال ساقط نمی شود. این نکته نشان می دهد که فقه امامیه برای استقلال اقتصادی زن اهمیت ویژه ای قائل است و به همین دلیل، مهریه را نه یک امتیاز تشریفاتی بلکه یک حق مالی واقعی

می‌داند. اگرچه اسلام زن را از نظر مالی مستقل می‌شناسد و اموال او را در هر شرایطی محترم می‌شمارد، اما مهریه را به عنوان پشتوانه‌ای مضاعف برای او مقرر کرده است تا در صورت بروز اختلاف، طلاق یا بیماری، زن بدون تکیه بر اموال مرد یا خانواده خود، از حداقلی از امنیت مالی برخوردار باشد.

از منظر فلسفی، مهریه دارای دو بُعد حقوقی و اخلاقی است. بُعد اخلاقی آن همان است که در کلمات فقها به عنوان «هدیه محبت‌آمیز مرد» بیان شده و هدف از آن تأکید بر جایگاه زن، تشویق مرد به مسئولیت‌پذیری و استحکام‌بخشی به نهاد خانواده است. بُعد حقوقی اما بر ایجاد یک ضمانت مالی برای زن استوار است که بتواند در شرایط دشوار، پشتوانه‌ای مادی برای او ایجاد کند. این پیوند میان اخلاق و حقوق یکی از ویژگی‌های اساسی فقه امامیه است که در نهادهایی مانند نفقه، حضانت، طلاق و مهریه به خوبی تجلی می‌یابد. فقه شیعه، خانواده را نظامی اخلاقی و حقوقی می‌داند و تلاش می‌کند قواعد مالی را به گونه‌ای تنظیم کند که با هدف عدالت، رحمت و حفظ کیان خانواده هماهنگ باشد. از همین رو، فلسفه مهریه تکریم زن و تحکیم زندگی مشترک است، نه ایجاد رقابت، سنگینی یا فشار اقتصادی.

در تحلیل ماهیت مهریه، نظریه‌های فقهی متعددی مطرح شده است. برخی فقها مهر را بخشی از مقتضای عقد نکاح دانسته‌اند که بدون آن، عقد ناقص یا غیرمستحکم خواهد بود. گروهی دیگر مهر را امری تبعی و خارج از ذات عقد تلقی کرده‌اند که به اراده زوجین بستگی دارد؛ زیرا نکاح بدون تعیین مهر نیز صحیح است. با این حال، همه این دیدگاه‌ها در یک نکته مشترک‌اند: این‌که مهر از لوازم شرعی نکاح است و حتی اگر در عقد تعیین نشود، پس از عقد با عنوان مهرالمثل یا مهرالمتعّه ثابت خواهد شد و هیچ زن مسلمانی بدون مهر نمی‌ماند. این استمرار حق زن بیانگر آن است که شریعت از ابتدا قصد داشته جایگاه اقتصادی و اجتماعی زن در خانواده را حفظ کند و اجازه ندهد که زن در یک رابطه دائمی یا موقت بدون پشتوانه بماند.

یکی از اساسی‌ترین مبانی فقهی در فلسفه مهریه، اصل «کرامت انسانی» است. فقه امامیه زن را انسانی کامل، مستقل و صاحب حق می‌داند که مانند مرد مالک اموال خود است و حق دارد مهریه را هرگونه که خواست مصرف یا ذخیره کند. برخلاف برخی نظام‌های سنتی، اسلام زن را در مال و اراده مستقل می‌شناسد و مهریه را وسیله‌ای برای تثبیت این استقلال قرار داده است. بدین ترتیب، مهر به نوعی ابزار بازتوزیع قدرت مالی میان زن و شوهر تبدیل می‌شود و موجب می‌گردد زن در ساختار خانواده از نظر مالی وابسته مطلق به مرد نباشد. این نگاه پیشرفته، برخلاف برداشت‌های سطحی یا فرهنگیِ امروزی، نشان‌دهنده عمق عدالت‌ورزی فقه شیعه است.

از منظر اقتصادی، فلسفه مهریه نوعی «جبران فرصت» برای زن است. زن در ازدواج ممکن است مسئولیت‌هایی را بپذیرد که او را از برخی فعالیت‌های اقتصادی بازدارد و شریعت برای آن‌که این

آسیب بالقوه را جبران کند، مهریه را مقرر داشته است. البته این فلسفه، تنها یکی از ابعاد اقتصادی مهر است؛ زیرا هدف اصلی، ایجاد پشتوانه و تضمین برای آینده زن است. در بسیاری از متون فقهی آمده است که مرد باید در آغاز زندگی بخشی از دارایی خود را به زن بسپارد تا زن در هر شرایطی احساس امنیت اقتصادی داشته باشد و هیچ‌گاه از نظر مالی کاملاً وابسته به شوهر نباشد. این استقلال مالی، نه برای ایجاد فاصله میان زوجین، بلکه برای حفظ عزت زن و افزایش قدرت تصمیم‌گیری او در روابط خانوادگی است.

از نظر مفهومی، مهر نه ارزش‌گذاری برای زن است و نه قیمت‌گذاری بر شخصیت او. فقه امامیه به شدت با این نگاه مخالفت کرده و تصریح نموده است که زن در اسلام فاقد هیچ نوع قیمت‌گذاری است؛ زیرا انسان ارزش ذاتی و نفسی دارد. مهریه در حقیقت ابزار مالی برای شروع زندگی است و نه بیانگر ارزش زن. به همین دلیل، فقها بر آن‌اند که میزان مهر باید متناسب، معقول و به دور از افراط باشد. در عین حال، فقه آزادی اراده طرفین را نفی نمی‌کند و اگر طرفین توافق کنند که مهر سنگین باشد، اصل بر صحت آن است. همین آزادی اراده، فلسفه دیگری را نشان می‌دهد: این که مرد هنگام قبول مهریه، مسئولیت‌پذیری و صداقت خود را نشان می‌دهد و زن نیز با پذیرش آن، درستی رفتار همسر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

در ماهیت حقوقی، مهر یک حق مالی کامل است و زن مالک آن می‌شود، حتی اگر هنوز تحویل نشده باشد. این مالکیت مطلق موجب می‌شود که زن بتواند مهریه را ببخشد، بفروشد، مصالحه کند یا آن را در قراردادهای مالی وارد سازد. فقه امامیه تصریح دارد که هیچ انسان دیگری —even— شوهر— نمی‌تواند زن را مجبور به بخشش یا صرف مهریه کند. حتی خانواده زن و شوهر نیز دخالتی در آن ندارند. این استقلال مطلق مالی، نشان‌دهنده ساختار پیشرو فقه در مقایسه با بسیاری از سنت‌های تاریخی جهان است. فقه شیعه با این رویکرد تلاش کرده است زن را در برابر خطرات احتمالی آینده مثل اختلاف، طلاق، فوت شوهر یا مشکلات مالی، محافظت کند.

فلسفه تربیتی و اخلاقی مهریه نیز قابل توجه است. اسلام می‌خواهد ساختار خانواده بر پایه محبت، احترام و مسئولیت بنا شود و مهریه نمود این مسئولیت‌پذیری است. مهریه، مرد را متوجه تعهدات خود می‌کند و او را از رفتارهای شتاب‌زده و تصمیمات غیرمسئولانه باز می‌دارد. زن نیز با آگاهی از این پشتوانه، در مسیر زندگی مشترک امنیت خاطر بیشتری خواهد داشت. امنیت روانی حاصل از مهر، یکی از فلسفه‌های کمتر شناخته‌شده‌ای است که در متون فقهی به آن اشاره شده است.

در نگاه کلان، مهریه مکانیزمی برای ایجاد توازن قدرت در ساختار سنتی خانواده است؛ زیرا در گذشته، جایگاه اقتصادی مرد قوی‌تر و امکان دسترسی او به منابع مالی بیشتر بوده است. اسلام با وضع مهریه تلاش کرده است که زن نیز سهمی قطعی از دارایی‌ها داشته باشد و این وضعیت، او را در تصمیم‌های مهم زندگی مانند ادامه یا قطع رابطه زناشویی توانمند سازد. بنابراین، فلسفه مهر تنها

به آغاز زندگی مربوط نمی‌شود، بلکه در تمام طول زندگی مشترک و حتی پس از پایان آن نیز معنا پیدا می‌کند. مهریه در فقه امامیه نهادی چندبعدی است: از یک‌سو، تجلی هدیه و محبت است؛ از سوی دیگر، تضمین حقوق مالی زن؛ از طرفی، عامل استحکام خانواده و از جنبه‌ای دیگر، وسیله‌ای برای تحقق عدالت جنسیتی در نظام سنتی اقتصادی. این ترکیب پیچیده از اخلاق، اقتصاد، حقوق و خانواده سبب شده است که مهریه نهاد بسیار پررنگی در شریعت باشد و توجیه آن تنها با یک رویکرد واحد امکان‌پذیر نیست. فهم ماهیت و فلسفه مهریه برای تحلیل چالش‌های امروز در حوزه خانواده ضروری است و بدون این فهم، هیچ اصلاح حقوقی یا اجتماعی در این زمینه موفق نخواهد شد.

تحلیل حقوقی مهریه در چارچوب قانون مدنی:

در قانون مدنی ایران مهریه به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نهادهای حقوق خانواده، جایگاهی روشن، الزام‌آور و غیرقابل انکار دارد و فلسفه آن با رویکرد حمایتی قانون‌گذار نسبت به زن و تثبیت پیوند نکاح در نظام حقوقی تفسیر می‌شود. مهریه در این چارچوب، مالی است که به‌محض وقوع عقد نکاح به ملکیت زن درمی‌آید و این انتقال مالکیت، جنبه تعلیقی یا مشروط ندارد؛ مگر در مواردی که خود عقد یا تراضی طرفین شرطی برخلاف آن مقرر کرده باشد. قانون‌گذار با الهام از فقه امامیه ماهیت مهریه را یک تعهد مالی فوری و لازم‌الاجرا تعریف کرده است، تعهدی که زوج در برابر زوجیت بر عهده می‌گیرد و زن نیز بدون نیاز به تحقق هیچ رفتار یا انجام هیچ تکلیفی، مالک آن می‌شود. در مواد ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۱ قانون مدنی، چارچوب دقیق مهریه، شرایط صحت، اقسام، ضمانت‌اجراها و آثار فسخ یا انحلال نکاح نسبت به مهر بیان شده و این مواد در مجموع، بنیان نظری و حقوقی مهریه را شکل می‌دهند.

بر اساس ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی در آن بنماید.» این عبارت، ماهیت تملیکی و فوری مهر را به‌طور کامل روشن می‌کند و نشان می‌دهد که مهریه از حیث انتقال مالکیت شبیه به عقود تملیکی است که موضوع آن مال یا حق است. بنابراین، حتی اگر زن هنوز به منزل شوهر نرفته یا رابطه زناشویی شکل نگرفته باشد، حق مطالبه مهریه محفوظ است. این حق، با هیچ رفتار متقابل مشروط نشده و ملاک اصلی آن، وقوع صحیح عقد نکاح است. این ساختار سبب می‌شود که مهریه در نظام حقوقی ایران دارای یک استقلال شخصیت‌یافته باشد و حتی وقوع طلاق، نشوز یا اختلافات زناشویی، اصل مالکیت آن را مخدوش نکند؛ مگر در موارد خاصی که قانون‌گذار برای آن استثنائاتی وضع کرده است.

یکی از نکات مهم تحلیل مهریه در قانون مدنی، قابلیت انواع مختلف اموال برای قرار گرفتن به‌عنوان مهر است. ماده ۱۰۷۸ مقرر می‌کند که مهر باید مالیت داشته و قابل تملک باشد. مالیت در این ماده، تنها به معنای ارزش اقتصادی نیست، بلکه به مفهوم قابلیت دادوستد، انتفاع مشروع و تعیین‌پذیری